

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۹

دو فصلنامه علمی تخصصی

پژوهش‌های قرآنی و فقهی

سال سوم، شماره پنجم، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

عوامل عاقبت به خیری و نقش دعای والدین

در حسن عاقبت فرزندان از منظر قرآن کریم

مریم سادات گلابی^۱

خدیجه جلالی^۲

چکیده

امروزه یکی از موضوعات مورد غفلت والدین، توجه به امر «عاقبت به خیری» فرزندان و نقش دعای والدین شایسته در سرنوشت آنان است. چنان که غالباً همت خود را در تأمین امور مادی و رفاهی فرزندان مصروف داشته و نسبت به عوامل نقش آفرین در حسن عاقبت ذریه خویش بی‌توجهی می‌نمایند. در حالی که تأکید آیات و روایات و سیره انبیای عظام، نشان دهنده اهمیت خاص دعای والدین از نگاه دینی است. در این نوشتار، پس از بیان اهمیت عاقبت به خیری در فرهنگ اسلامی، به عوامل دستیابی به آن از نگاه قرآن پرداخته و جایگاه دعای والدین به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل حسن عاقبت بررسی شده است. با تعمق در نمونه‌های قرآنی از دعا‌های والدین و بررسی اقسام خواسته‌های والدین، و نقش هریک از ارکان دعا، این نتیجه حاصل شد که دعا برای فرزندان مورد اهتمام تمام اولیای الهی بوده است. البته دعا علت تامه محسوب نمی‌شود و در نظام تربیتی اسلامی، بایستی از تلاش والدین برای همه امور تأثیرگذار چون نطفه، لقمه و اقسام تربیت غافل نماند. همچنان که استعداد و قابلیت‌های فرزند و تصمیمات و اراده وی نیز در سرنوشت او مؤثر است.

واژگان کلیدی: فرهنگ اسلامی، حسن عاقبت، آیات و روایات، دعای

والدین، سرنوشت فرزندان

۱. سطح ۳ حوزه علمی خراسان، استاد - دانش پژوه سطح ۴ تفسیر تطبیقی مجتمع علوم اسلامی کوثر- تهران

maryamsadat.golabi@gmail.com

(نویسنده مسئول)

jalalidibaji@gmail.com

۲- سطح چهار حوزه علمیه - استاد عالی حوزه علمیه تهران

طرح مسأله

انسان همواره در زندگی در معرض امتحانات الهی قرار دارد و چه بسا با آن که عمری را در راه صلاح گذرانده، ناگاه با کیدی از ناحیه شیطان، به معصیت عظیمی گرفتار شده و در همان حال آلودگی، بدون آن که فرصتی برای توبه بیابد، از دنیا برود. شیطان با اقسام نیرنگ‌ها در مسیر سعادت ما و نسلمان به کمین نشسته و بال‌های مرگ بالای سرمان به حرکت درآمده، هر نفس، به لحظه خروج از دنیا نزدیک تر می‌شویم، و کسی نمی‌داند که در چه حالی از این دنیا خواهد رفت: با عاقبت به خیری یا عاقبت شوم!

ولی متأسفانه امروزه شاهد آن هستیم که بسیاری از والدین بیش از آن که به امور اخروی فرزندان بپردازند، به امور مادی و ظاهری توجه کرده و از عاقبت به خیری فرزندان غافل هستند. در حالی که با توجه به توسعه تکنولوژی و ابزارهای نفوذ دشمن در ترویج فرهنگ ضد دینی، مهم‌ترین نگرانی والدین باایمان، حسن عاقبت فرزندان بوده، تلاش می‌کنند اسباب عاقبت به خیری فرزندان خود را فراهم کنند؛ آنان را با حبّ اهل بیت علیهم السلام، تسلیم در برابر اوامر الهی، توصیه به نماز و... تربیت کرده و از جایگاه‌های نفوذ شیاطین دور نمایند.

البته آنها تمام تلاش خود را بدون درخواست از خداوند و استمداد الهی بی‌نتیجه دانسته و برای هدایت و عاقبت به خیری نسل خویش دست به دعا بر می‌دارند. دعای والدین، آرامش قلب، امید و انگیزه را برای خود و تأثیرات شگرفی را برای فرزندان به ارمغان می‌آورد.

این پژوهش کتابخانه‌ای که با روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته، در صدد پاسخگویی به این سؤال اصلی است که عوامل عاقبت به خیری از دیدگاه قرآن کدام هستند و نقش دعای والدین در حسن عاقبت فرزندان از منظر قرآن کریم چیست؟ در همین راستا، سؤالات فرعی که در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود عبارتند از:

عاقبت به خیری از منظر قرآن کریم، چه جایگاهی دارد؟

اهمیت دعا در آموزه‌های اسلامی تا چه اندازه است؟

سیره انبیای الهی و به ویژه حضرت ابراهیم علیه السلام در دعا برای فرزندان چگونه است؟

ادله قرآنی - روایی در مورد تأثیر دعای والدین کدامند؟

چه عواملی برای عاقبت به خیری در آیات و روایت بیان شده است؟

نقش هریک از ارکان دعا در استجابت آن چگونه است؟

چارچوب نظری

عاقبت به خیری خود و فرزندان و ذریه، از دیرباز مورد توجه آدمی بوده و حتی انبیا و اولیاء الهی برای عاقبت خویش نگرانی داشتند. دعا و درخواست والدین از خداوند به عنوان راهکاری تربیتی و اخلاقی، همواره عاملی تأثیرگذار تلقی شده که نمونه‌هایی قرآنی و تاریخی نیز می‌توان برای آن یافت. در زمینه عاقبت به خیری و عوامل آن و تأثیر دعا در عاقبت به خیری در تفاسیر، منابع حدیثی و کتب اخلاقی، مطالب ارزنده‌ای وجود دارد. همچنین مقالاتی در این زمینه نگارش شده که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مقاله «اهمیت و جایگاه عاقبت به خیری در اسلام، سیدجواد حسینی»، نشریه پاسدار اسلام، سال ۱۳۷۸.

مقاله «آثار دعا و نیایش و چگونگی بهره‌گیری از آن در تربیت دینی کودکان و نوجوانان»، حسین احسانی فر، فصلنامه راه تربیت، سال ۱۳۷۵.

مقاله «نقش دعا در تکامل معنوی انسان»، شریفه فهیمی، دوفصلنامه تخصصی کلام حکمت، سال ۱۳۹۷.

اما در پژوهش حاضر، با روش توصیفی - تحلیلی ابتدا به بررسی سیره انبیای الهی در دعا برای ذریه خویش با توجه به آیات قرآن کریم می‌پردازد و سپس با مراجعه به

آیات و روایات عوامل تأثیرگذار در دعای والدین استخراج و با بیان شواهد عینی نقش این دعاها در عاقبت به خیری فرزندان را تبیین می‌نماید.

۱. جایگاه عاقبت به خیری از منظر قرآن کریم

برگ آخر دفتر زندگی، لحظه مرگ و هنگامه ورود انسان به جهانی دیگر، لحظه‌ای سرنوشت ساز در سعادت یا شقاوت ابدی آدمی است. حسن عاقبت یا به تعبیر دیگر، عاقبت به خیری، آن است که انسان تلاش کند که در لحظه مرگ، در حال ایمان کامل و با توبه پذیرفته، دنیا را ترک کند. بنابراین مؤمن باید همواره در حال خوف نسبت به عاقبت خویش باشد.

آیات متعددی از قرآن کریم بر جایگاه عاقبت به خیری تأکید دارد. به عنوان مثال، خداوند به مؤمنان توصیه می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۱۰۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است تقوای الهی داشته باشید، و از دنیا نروید، مگر این که مسلمان باشید». مطابق آیات قرآن، انبیای الهی همواره نگران عاقبت کار خویش بودند. حضرت یوسف علیه السلام پس از رسیدن به مقامات بالا و نجات از همه مشکلات، آخرین تقاضایش از خدا این بود: «...تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (یوسف: ۱۰۱)؛ مرا مسلمان بمیران، و به صالحان ملحق فرما.

بنابر روایات، میزان در سنجش اعمال انسان، عملی است که با آن از دنیا می‌رود. چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ لِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ وَ أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ أَنَّهُ لِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ النَّارِ، وَ إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالْخَوَاتِيمِ» (جرجی زیدان، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۱۶۲؛ پیشوایی، ۱۳۹۰، ص ۴۳۷). به راستی بنده عمل جهنمیان را انجام می‌دهد، در حالی که خود اهل بهشت است و به راستی بنده عمل بهشتیان را انجام می‌دهد، در حالی که خود اهل آتش است. به راستی اعمال به عاقبت آنهاست». بر این اساس، مؤمن همواره نگران عاقبت کار خویش است: «لَا يَزَالُ

الْمُؤْمِنُ خَائِفًا مِنْ سُوءِ الْعَاقِبَةِ لَا يَتَيَقَّنُ الْوُصُولَ إِلَى رِضْوَانِ اللَّهِ حَتَّى يَكُونَ وَقْتُ نَزْعِ رُوحِهِ وَظُهُورِ مَلَكِ الْمَوْتِ لَهُ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۳۶۶)؛ مؤمن پیوسته از سوء عاقبت خود بیمناک است و یقین ندارد که آیا مقام خشنودی و رضای خدا را دریافت خواهد کرد یا نه، تا هنگام مرگ و آمدن ملک الموت».

امیرمؤمنان علیه السلام حقیقت سعادت‌مندی را در عاقبت به خیری دانسته و می‌فرماید: «إِنَّ حَقِيقَةَ السَّعَادَةِ أَنْ يُخْتَمَ لِلْمَرْءِ عَمَلُهُ بِالسَّعَادَةِ وَإِنْ حَقِيقَةُ الشَّقَاءِ أَنْ يُخْتَمَ لِلْمَرْءِ عَمَلُهُ بِالشَّقَاءِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۳۴۵؛ مجلسی، ج ۷۱، ص ۳۶۴)؛ حقیقت سعادت آن است که انسان، سرانجام کارش به سعادت خاتمه یابد و حقیقت شقاوت [و محرومیت از رحمت خدا] آن است که سرانجام کار انسان به شقاوت پایان یابد». البته توبه و بازگشت به سوی حق، مسیر سرنوشت انسان را تغییر داده و او را از بدی عاقبت نجات می‌بخشد. چنان که امام صادق از رسول خدا صلی الله علیه وآله چنین نقل می‌کند: «مَنْ أَحْسَنَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِهِ لَمْ يُؤَاخَذْ بِمَا مَضَى مِنْ ذَنْبِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِهِ أَخَذَ بِالْأَوَّلِ وَالْآخِرِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۵۷؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۷۵)؛ کسی که در باقیمانده عمر کار نیک به جا آورد، خداوند او را بر گناهان گذشته اش مجازات نمی‌کند و کسی که در باقیمانده عمرش بد کند هم به گناهان گذشته و هم به گناهان آینده مؤاخذه خواهد شد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱۳، ص ۲۶۰).

۲. اهمیت دعا در آموزه‌های اسلامی

دعا در فرهنگ اسلامی، به معنی ارتباط با خدا و خواندن و درخواست کردن و طلب نیازمندانه از او داشتن است (مطهری، ۱۳۵۸، ص ۱۱۵). دعا در قرآن در معانی مختلفی آمده است؛ اما محور همه این معانی «خواندن» است؛ البته خواندنی که با خواست و طلب همراه است (برازش، ۱۳۷۴، ص ۳۹).

از نظر قرآن، دعا به انسان، شخصیت، سنگینی و وزانت می‌دهد. تنها دعا و ارتباط با خدا است که به انسان، هستی و حیات انسانی می‌بخشد و به حیات و زندگی اش معنا

و جهت می دهد (جعفری، بی تا، ص ۳). خداوند می فرماید: «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ...» (فرقان: ۷۷) بگو ای پیامبر اگر دعای شما نباشد، پروردگار من برای شما ارج و ارزشی قائل نیست». این تعبیر- که خداوند به خاطر دعاهایتان به شما اعتنا می کند و برای شما ارزش قائل است- تنها درباره دعا ذکر شده است؛ یعنی با وجود گناهان فراوانی که انجام می دهید، تنها چیزی که سبب ارج نهادن خداوند به شما می شود، دعاهای شماست. دعا به فرموده پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، مغز عبادت، (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۳، ص ۳۰۰) سلاح مؤمن و عمود دین است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۶۸).

در آموزه های اسلامی بر دعا برای دیگران و شرکت دادن دیگران در دعاهای خود، تأکید شده است. امام باقر علیه السلام فرمودند: «أَسْرَعُ الدُّعَاءِ نُجْحًا لِلْإِجَابَةِ دُعَاءُ الْأَخِ لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ، سریع ترین دعایی که موفق به اجابت می شود، دعا برای برادر مؤمن در غیاب او است» (مجلسی، ج ۹۳، ص ۳۸۷). از جمله دعاهای مستجاب در حق غیر، دعای والدین برای فرزندان خویش است. دعای خیر والدین برای فرزندان، از کلیدی ترین رمزهای موفقیت در دنیا و عاقبت به خیری آنها می باشد. در ادامه به نمونه هایی از دعاهای انبیاء و اولیای الهی برای فرزندان خود می پردازیم:

۳. سیره حضرت ابراهیم و انبیای الهی در دعا برای فرزندان

در قرآن کریم دعاهای انبیاء در مورد فرزند، یا درخواست برای فرزند دار شدن است و یا دعا برای مصالح فرزندان. اگرچه دعا برای صاحب فرزند شدن، ظاهراً بعد تربیتی ندارد، ولی از آنجا که این درخواست مقید است به صالح بودن فرزند، در آنجا هم درون مایه تربیتی وجود دارد؛ یعنی والدین با همین دعا می خواهند زمینه را برای تربیت فرزندان خوب و عاقبت به خیری آنها فراهم کنند. دعاهایی که در قرآن برای مصالح فرزندان و نسل آورده شده، شامل موارد زیر است:

۳-۱. دعا برای صالح و پاک بودن ذریه و نسل

از دعاهای والدین در قرآن، دعا برای داشتن نسلی پاک و طیب است. درخواست

فرزند و نسل پاک، سنت و روش انبیاء است. زیرا ارزش ذریه و فرزندان، به پاکی آنها است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۰۷). حضرت زکریا علیه السلام به درگاه خدا عرضه می‌دارد: «...رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» (آل عمران: ۳۸). بنابراین برای صلاح و خویی فرزند، حتی قبل از انعقاد نطفه باید دعا کرد و از خداوند فرزند صالح خواست (قرائتی، ۱۳۹۸، ص ۲۸۷).

از بهترین دعاهاى والدین، دعا در خصوص صالح شدن فرزندان می‌باشد: «...أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي...» (احقاف: ۱۵)؛ فرزندانم را برای من صالح و شایسته گردان. اصلاح در ذریه به این معنا است که صلاح را در آنان ایجاد کند و چون این ایجاد از ناحیه خداست، یعنی ذریه را موفق به عمل صالح سازد و این اعمال صالح، کار دل‌های فرزندان را به صلاح بکشاند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۰۸-۳۰۹).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فرزند شایسته را گلی از گل‌های بهشتی دانسته و می‌فرماید: «إِنَّ الْوَلَدَ الصَّالِحَ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَّاحِينَ الْجَنَّةِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳).

۲-۳. دعا برای در امان داشتن از شر شیطان

خداوند متعال در قرآن از شیطان به عنوان «عَدُوٌّ مُبِينٌ» نام برده (یس: ۶۰) و به انسان‌ها یادآوری نموده که این دشمن سرسخت در مسیر آنان کمین کرده و هر لحظه، مترصد آن است که آنان را از صراط مستقیم دور کرده، به شقاوت دنیا و آخرت گرفتار سازد. به همین جهت، یکی از مهم‌ترین درخواست‌های اولیای الهی، درخواست در امان ماندن از مکاید شیطان است. چنان که در قرآن از زبان مادر گرامی حضرت مریم سلام الله علیها می‌خوانیم که به هنگام ولادت او از خداوند درخواست می‌نماید که او و فرزندان او را از شر شیطان و وسوسه‌هایش حفظ نماید: «فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ...إِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَ إِنِّي أُعِيدُهَا بَكَ وَ ذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (آل عمران: ۶۳)؛ پس هنگامی که او را به دنیا آورد، گفت پروردگارا.. من او را مریم نامیدم و او و فرزندان او را از شیطان رانده شده در پناه تو قرار می‌دهم».

«مریم» در لغت به معنی زن عبادتکار و خدمتگزار است و از آنجا که این نامگذاری به وسیله مادرش بعد از وضع حمل انجام شد، نهایت عشق و علاقه این مادر با ایمان را برای وقف فرزندش در مسیر بندگی و عبادت خدا نشان می‌دهد، و نیز به همین دلیل بود که او پس از نامگذاری، نوزادش و فرزندانی را که در آینده از او به وجود می‌آیند، در برابر وسوسه‌های شیطانی به خداوند سپرد (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۲۷). در دعای امام سجاد علیه السلام برای فرزند نیز چنین آمده: «وَأَعِزَّنِي وَدُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ...» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۳) و مرا و نسلم را از شیطان رانده‌شده پناه ده.

۳-۳. دعا برای هدایت فرزند

والدین با ایمان، همواره برای سرانجام نیک فرزندان خویش دغدغه‌مند بوده و برای هدایت آنان دعا می‌کنند. چه بسا فرزند ناهلی که به والدین خود بدگویی و بی‌ادبی می‌کند، ولی والدین با ایمان و دلسوز برای هدایت فرزند خود، از خدا استمداد جسته و او را به خوبی‌ها امر و از بدی‌ها نهی می‌کنند: «وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أَفَلَا تُعِيدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَعْجِلَانِ اللَّهَ وَيْلَكَ آمِينَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ...» (احقاف: ۱۷). پدر و مادر در حالی که از خدا طلب می‌کنند که آنان را پناه دهد و در اقامه حجت و تمایل کردن دل فرزند به سوی ایمان کمک فرماید، به فرزند خود می‌گویند: وای بر تو! به خدا و به آنچه رسولش آورده، ایمان بیاور و مطمئن باش که وعده خدا به معاد که به وسیله رسولانش داده، وعده‌ای است حق (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۱۱).

۳-۴. دعا برای نجات فرزند

والدین باتقوا می‌کوشند تا فرزندان خود را از ورطه ضلالت و هلاکت نجات بخشند. چنان که در مورد نوح علیه السلام در قرآن آمده است: «وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ» (هود: ۴۵)؛ و نوح پروردگار

خود را آواز داد و گفت: «پروردگارا، پسر من اهل من است، و قطعاً وعده تو راست است و تو بهترین داورانی». این آیه، دعایی است که نوح برای پسرش کرده، البته آن پسری که از سوار شدن بر کشتی تخلف ورزید. بعد از آنکه طوفان شروع شد و موج بین او و پسرش حائل شد، در این هنگام به خیال اینکه او نیز مانند سایر فرزندان به خدا ایمان دارد، او را صدا زد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۳۴۹). چون قبلاً از خدای متعال این وعده را شنیده بود که اهل او را نجات می دهد (هود: ۴۰).

۳-۵. دعا برای تسلیم و مطیع خدا بودن فرزند

اسلام و تسلیم در برابر خداوند، مقام و مرتبه ای از عبودیت است. این مرتبه از بندگی خداوند از چنان ارزشی برخوردار است که در سوره بقره از زبان ابراهیم و نواده گرامی اش حضرت یعقوب علیهم السلام خطاب به فرزندان خود می خوانیم که به آنان وصیت می کنند مبادا جز در حالت تسلیم و مسلمانی، از دنیا بروید: «وَوَصَّي بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أُنْتُمْ مُسْلِمُونَ» (بقره: ۱۳۲). همچنین حضرت ابراهیم هنگامی که به همراه فرزندش اسماعیل، دست به کار ساختن خانه کعبه بودند، دست به دعا برداشته و از خداوند چنین درخواست می نمایند: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً...» (بقره: ۱۲۸)؛ پروردگارا ما و فرزندان ما را از تسلیم شدگان در برابر خود قرار ده.

۳-۶. دعا برای اجتناب از پرستش غیر خدا

والدین با ایمان همواره فرزندان خود را از پرستش و اطاعت غیر خدا باز داشته و برای دوری آنها از هرگونه بت پرستی، به درگاه الهی دعا می کنند. حضرت ابراهیم علیه السلام از خدا خواست او و فرزندانش را از بت پرستی دور بدارد: «... وَاجْبُنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ إِلَّا صُنَامَ» (بقره: ۱۲۹). منظور از جمله «واجبني»، درخواست صنعی است از خدا در ترک بت پرستی. به عبارت دیگر، از خدای خود درخواست می کند که او و فرزندانش را از پرستش بت ها نگهداری نموده و در صورتی که خود آنان بخواهند، به

سوی حق آن‌ها را هدایت کند و اگر از او خواستند تا دین حق را برای آنان افاضه فرماید، دین را افاضه کند و همچنین از آن فهمیده می‌شود که نتیجه دعا برای بعضی از کسانی است که به جهت آن‌ها دعا شده، هر چند که لفظ دعا عمومی است، و لیکن تنها درباره کسانی مستجاب می‌شود که خود آنان استعداد و خواهندگی داشته باشند، و اما معاندین و مستکبرینی که از پذیرفتن حق امتناع می‌ورزند، دعا در حق آنان مستجاب نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۰۰). بت در مفهوم عام آن، به هر آنچه در مقابل خدا پرستش و اطاعت شود، اطلاق می‌گردد. با این تعبیر، دعا برای دوری فرزندان از بت پرستی، شامل هواپرستی، خودپرستی، تعبد نسبت به طاغوت و... نیز می‌شود.

۳-۷. دعا برای گرایش دل‌های مردم به سوی فرزندان

وقتی خداوند در زمان پیری ابراهیم علیه السلام، اسماعیل را به او عطا کرد، او را فرمان داد که این کودک و مادرش را در مکه اسکان دهد. ابراهیم فرمان الهی را اطاعت نمود و سپس برای آنان چنین دعا کرد: «رَبَّنَا... فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (ابراهیم: ۳۷)؛ پروردگارا!... تو دل‌های گروهی از مردم را متوجه آنها ساز؛ و از ثمرات به آنها روزی ده؛ شاید آنان شکر تو را به جای آورند.» در روایات آمده که امام باقر علیه السلام فرمود: ما اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله، بقیه ذریه ابراهیم هستیم که دل‌های مردم به سوی ما گرایش دارد، سپس این آیه را تلاوت فرمودند.

۳-۸. دعا برای نمازگزار بودن فرزند

نماز و ارتباط دائمی با پروردگار، در سازندگی اخلاقی و معنوی انسان نقش بسزایی داشته و بازدارنده از گناه و آلودگی است: «...إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ...» (عنکبوت: ۴۵). به همین دلیل حضرت ابراهیم علیه السلام، از خداوند می‌خواهد که او و فرزندانش را از برپا دارندگان نماز قرار دهد. زیرا مادامی که

فرزندان از طریق نماز با خداوند متعال در ارتباط باشند، از مکاید شیطانی برکنار بوده، در صراط مستقیم عبودیت و در مسیر عاقبت به خیری قدم برمی دارند.

در سوره ابراهیم، از زبان آن حضرت می خوانیم: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ (ابراهیم: ۴۰)؛ پروردگارا مرا و فرزندان مرا از برپا دارندگان نماز قرار ده و خداوندا این دعا را از من بپذیر». نماز، محور دعا‌های حضرت ابراهیم است. با آنکه رسالت انبیا اقامه دین است، اما دعا برای اقامه نماز به جای آن، نشانه آن است که نماز، چهره و سیمای تمام‌نمای دین است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۴۲۶).

۳-۹. درخواست رهبری و هدایتگری برای متقین

والدین بلندهمت، بالاترین درجات کمال را برای فرزندان خود طلب می کنند و به درگاه الهی دعا می کنند که فرزندان آنان به مقام پیشوایی و رهبری متقین برسند. چنان که در دعای حضرت ابراهیم علیه السلام آمده است: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ...» (بقره: ۱۲۹). او با آنکه خود از پیامبران برجسته الهی است، برای نسل‌های آینده دعا می کند که پروردگارا! در میان مردم و ذریه من، پیامبری از خودآنها مبعوث کن (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۰۴).

در دست گرفتن مدیریت جامعه، و عهده‌دار شدن امامت و رهبری متقین، آرزوی بندگان شایسته الهی است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۲۸۹). بر این اساس، در سوره فرقان از زبان «عبدالرحمان» می خوانیم: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان: ۷۴). اولیای خاص خداوند از او درخواست می کند که همسران و فرزندان آنان را در این عالم مایه سرافرازی آنها قرار دهد و مقام امامت و پیشوایی متقین را به آنها عطا کند. مقامی که هرگز به ستمکاران نخواهد رسید (بقره: ۱۳۰) و چنانچه انسانی به این مرتبه از کمال دست یابد، از خاصان درگاه الهی شده و به سعادت دنیوی و اخروی نائل گشته است. «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»، یعنی ما را توفیق ده تا در راه انجام خیرات و به دست آوردن رحمت از یکدیگر سبقت گیریم، در نتیجه

دیگران که دوستدار تقوا هستند، از ما بیاموزند و ما را پیروی کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۳۸-۳۳۹).

۴. ادله قرآنی - روایی در مورد تأثیر دعای والدین

در نمونه‌های قرآنی از دعای انبیاء الهی برای فرزندان، به موارد متعددی از دعاهای ابراهیم علیه السلام برای نسل خویش پرداختیم. ابراهیم علیه السلام از پیامبرانی است که در باره ذریه‌اش فراوان دعا کرده است و خداوند، دعای پدر در حقّ فرزند را رد نمی‌کند (ری شهری، بی تا، ص ۱۸۹). از مهم‌ترین ادله بر تأثیر دعای والدین می‌توان به فرمایش رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله اشاره کرد که فرمودند: «أَنَا دَعَوُهُ أَبِي إِبْرَاهِيمَ» من نتیجه اجابت دعای پدرم ابراهیم هستم که فرمود: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ» (متقی هندی، ۱۴۰۱، ۳۱۸۸۹، ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۶۹).

از جمله دعاهای مستجاب دعای والدین است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ثَلَاثُ دَعَوَاتٍ لَا يَحْجُبَنَّ عَنْ اللَّهِ تَعَالَى: دُعَاءُ الْوَالِدِ لِوَلَدِهِ إِذَا بَرَّهُ وَ دَعْوَتُهُ عَلَيْهِ إِذَا عَقَّهُ... (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۲۸۰، ح ۵۴۱)؛ دعای سه کس از خداوند متعال پوشیده نمی‌ماند: [اول] دعای پدر در حقّ فرزندش، هرگاه نسبت به او نیکوکار [و فرمانبردار] باشد و نفرین پدر در حقّ او، هرگاه وی را بیازارد و نافرمانی کند...».

بنابر این، والدین علاوه بر همه تلاش‌هایی که برای تربیت فرزند صالح دارند و در کنار سوق دادن او به سوی رستگاری و سعادت دنیا و آخرت، باید از خدای متعال استعانت جسته و برای حسن عاقبت فرزندان و نسل و ذریه خویش دعا کنند.

دعای والدین حتی قبل از تشکیل نطفه، در زندگی فرزند نقش دارد. چنان که امام باقر علیه السلام توصیه می‌کنند: وقتی قصد داری فرزنددار شوی، هنگام مباشرت بگو: خداوندا فرزندی روزی‌ام کن و او را پرهیزگار قرار بده، آن‌گونه که در خلقتش زیاده و نقصانی نباشد و عاقبتش را به خیر فرما (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰). در این دعا، اول به

داشتن فرزند پاکیزه و متقی و بعد عافیت و سلامت جسمی او و سپس به عاقبت به خیری و بُعد روحی و معنوی فرزند توجه شده است (قرائتی، ۱۳۹۸، ص ۲۸۷).

دعای والدین برای فرزند، سبب آرامش و تسکین قلب (بقره: ۲۱۶) آنها بوده؛ دفع کننده امواج بلاها؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۷، ص ۳۰۱) و وسیله راهیابی به خزاین الهی (نهج البلاغه، نامه ۳۱) و مجموعه نعمت های مادی و معنوی اوست. دعا، تعلیم و تربیت است از غیر راه نصیحت مستقیم. بذری است در زمینی به نام «معرفت» که نتیجه و میوه آن، «تهذیب نفس» است و داشتن فرهنگی انسانی - خدایی و ثمره این حالت، قرب است و حبّ و ولایت و ایثار و گذشت (حکیمی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۹).

از شرح حال انبیاء و اولیای الهی در می یابیم که توفیقات در دنیا و حسن عاقبت آن ها، مرهون دعای پدر و مادر بوده است. عالم بزرگوار محمد تقی مجلسی، پدر علامه محمد باقر مجلسی در خاطرات خود می گوید: «در یکی از شب ها پس از نماز شب و تهجد، حال خوشی برایم ایجاد شد؛ از آن حالت فهمیدم که در این هنگام هر درخواستی از خداوند نمایم، اجابت خواهد شد. ناگاه صدای گریه فرزندم محمد باقر در گهواره اش بلند شد و من بی درنگ عرضه داشتم: پروردگارا! به حق محمد و آل محمد، این کودک را مروج دینت و ناشر احکام پیامبر بزرگت قرار ده و او را به توفیقاتی بی پایان موفق گردان» (نوری، ۱۳۷۷، ص ۱۱). همچنین آیت الله العظمی مرعشی نجفی، که از جمله توفیقات ایشان تألیف نزدیک به صد و پنجاه اثر، تربیت هزاران شاگرد و تأسیس صدها مدرسه علمیه، مسجد و...، ایجاد بزرگترین کتابخانه در جهان اسلام می باشد، این همه توفیقات را از برکت محبت به پدر و دعای والدین دانسته و می فرمود: «من هر چه دارم، از برکت دعای پدرم است» (میرعظیمی، ۱۳۷۴، ص ۱۲).

۵. عوامل عاقبت به خیری در آیات و روایات

با توجه به تعالیم و آموزه های قرآنی و روایی، حسن عاقبت و دستیابی به سرانجام نیک، امری اکتسابی بوده، متوقف بر باورها، انتخاب ها و رفتار انسان و نوع زندگی او

در دنیاست. مهم‌ترین اسباب عاقبت به خیری از دیدگاه قرآن مجید و کلام اهل بیت علیهم‌السلام عبارتند از:

۵-۱. تعقل و تفکر

تعقل و تفکر، انسان را به هدایت و نجات می‌رساند و عامل عاقبت به خیری فرد می‌شود. در قرآن کریم، دوزخیان، عامل شقاوت و سوء عاقبت خود را عدم تعقل برشمرده و می‌گویند: «لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (ملک: ۱۰)؛ اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم، در [میان] دوزخیان نبودیم.» عقل یکی از قوای روح انسانی است که به منزله آینه است در قلب که حقایق را درک می‌کند.

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «العقل ما عُبدَ به الرَّحْمَنُ وَ اكْتَسِبَ به الْجَنَانُ» و لذا عقل را رسول باطنی گفتند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۹۹). آن حضرت تفکر بسیار را عامل عاقبت به خیری دانسته و می‌فرماید: «مَنْ كَثُرَتْ فِكْرُهُ حَسُنَتْ عَاقِبَتُهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۱۴).

۵-۲. ایمان و عمل صالح

از مهم‌ترین عوامل حسن عاقبت، اصلاح نظام اعتقادات و رفتارهای فرد است. ایمان و عمل صالح، دو بال برای صعود به مراتب جنت و رضوان الهی است. قرآن کریم در آیات بسیاری، این دو ویژگی را مقارن هم ذکر کرده و آنها را عامل دستیابی به نیکوترین جایگاه‌ها در آخرت می‌شمارد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ (رعد: ۲۹)؛ کسانی که ایمان آوردند، و کارهای شایسته انجام دادند، برای آنان زندگی خوش و با سعادت و بازگشتی نیک است.»

مطابق این آیه، زندگی شیرین دنیوی و عاقبت نیکوی اخروی در سایه ایمان و عمل صالح به دست می‌آید، و کامیابی‌های دنیوی در صورتی ارزش دارد که همراه عاقبت اخروی باشد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۶۲).

۵-۳. تقوا

طبق روایتی از امام سجاد علیه السلام، تقوا، صداقت، حیا و خوش خلقی با خانواده، چهار ویژگی کسی است که عاقبت به خیر می شود: «أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمُلَ إِسْلَامُهُ، وَمَحَصَّتْ ذُنُوبَهُ، وَلَقِيَ رَبَّهُ وَهُوَ عَنْهُ رَاضٍ: وَقَاءُ لِلَّهِ بِمَا يَجْعَلُ عَلَى نَفْسِهِ لِلنَّاسِ، وَصِدْقُ لِسَانِهِ مَعَ النَّاسِ، وَالْأَسْتَحْيَاءِ مِنْ كُلِّ قَبِيحٍ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ النَّاسِ، وَحُسْنُ خُلُقِهِ مَعَ أَهْلِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۲۵)؛ چهار چیز است که در هر کس باشد، اسلام او کامل است و گناهانش پاک می شود و پروردگارش را در حالی که از او راضی است، ملاقات می کند: کسی که به خاطر خدا به آنچه که در برابر مردم تعهد کرده، وفا کند و زبانش با مردم راست باشد و از هر کاری که نزد خدا و مردم قبیح است، شرم نماید و اخلاقش با خانواده اش نیکو باشد.»

۵-۴. صبر و استقامت در دین

از اسباب عاقبت به خیری، صبر و استقامت در دین است. به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، صبر نسبت به ایمان، به منزله سر برای بدن است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۲۰۳). قرآن، یکی از عوامل رسیدن به پاداش های اخروی را صبر و شکیبایی می داند: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد: ۲۴)؛ [و به آنان می گویند:] درود بر شما به [پاداش] آنچه صبر کردید. راستی چه نیکوست فرجام آن سرای!]

۵-۵. استعانت از خداوند

استعانت از خداوند، ویژگی دیگر افرادی است که عاقبت به خیری نصیب آنان می شود. مؤمنین هر روز در نماز، آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (حمد: ۵) را قرائت می کنند تا این باور، که باید در سختی ها و گرفتاری های خود تنها از خدا یاری بخواهند، برای آنها به شکل یک باور یقینی در آید.

قرآن کریم متقینی را دارای حسن عاقبت می داند که از خداوند مدد می خواهند: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ

الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (اعراف: ۱۲۸)؛ موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جویید و پایداری ورزید، که زمین از آن خداست؛ آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌دهد؛ و فرجام [نیک] برای پرهیزگاران است». از آیه چنین بر می‌آید که استعانت از خداوند و صبوری، نمودی از تقوا و پرهیزکاری است؛ و اهل تقوا، هم در دنیا پایان نیک دارند و هم در آخرت، برندگان اصلی‌اند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۱۴۹).

۵-۶. پرهیز از علو و فساد

علو و فساد، از ویژگی‌های شیطان و پیروان اوست. بنابر این کسی که عاقبت نیکو را طلب می‌کند، باید از این دو صفت شیطانی دوری‌کند: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (قصص: ۸۳)؛ آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند، و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است.» منشأ فساد، برتری‌جویی است. عاقبت به خیر و پرهیزکار، کسی است که اراده تفاخر و برتری بر دیگران ندارد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۱۰۱).

۵-۷. استغفار و توبه

عاقبت نیک و ثواب دنیا و آخرت، نصیب مؤمنانی می‌شود که اهل استغفار و توبه بوده، و در مسیر ایمان، استوار و دارای ثبات قدم باشند: «وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ * فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آل عمران: ۱۴۷-۱۴۸)؛ و سخن آنان جز این نبود که گفتند: پروردگارا، گناهان ما و زیاده‌روی ما، در کارمان را بر ما ببخش، و گام‌های ما را استوار دار، و ما را بر گروه کافران یاری ده. پس خداوند، پاداش این دنیا، و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا کرد و خداوند نیکوکاران را دوست دارد».

۵-۸. اقامه نماز و نماز گزار بودن

در سوره مدثر، وقتی بهشتیان از دوزخیان علت جهنمی شدن آنها را می پرسند، اولین پاسخی که می دهند، آن است که ما از نماز گزاران نبودیم: «قَالُوا لَمْ نَكُ مِنْ الْمُصَلِّينَ» (مدثر: ۴۳). بنابر این، اهل نماز بودن از ویژگی افرادی است که در جنت الهی به حسن عاقبت دست می یابند. به همین جهت خداوند، عاقبت به خیری متقین را در گرو آن می داند که هم خود نماز گزار بوده و هم خانواده خود را به نماز امر کنند و بر آن شکیبایی ورزند: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى (طه: ۱۳۲)؛ و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش. ما از تو جویای روزی نیستیم، ما به تو روزی می دهیم، و فرجام [نیک] برای پرهیزگاری است».

۵-۹. دوست و همنشین صالح

از عوامل مهم و تأثیرگذار در عاقبت آدمی، دوستان و همنشینان او هستند. قرآن کریم نیز همنشین فرد را از عوامل نقش آفرین در عاقبت نیک یا بد وی معرفی کرده و می فرماید: روز قیامت بهشتیان از کسانی که به جهنم می روند، سؤال می کنند: «ما سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ» (مدثر: ۴۲) چه چیز شما را در آتش [سَقَر] درآورد؟» دوزخیان در پاسخ یکی از عللی که برای جهنمی شدن خود بیان می کنند، این است که: «وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَاطِئِينَ» (مدثر: ۴۵) ما پیوسته با اهل باطل همنشین و هم صدا بودیم.»

دوست و همنشین بد، زمینه ساز دوزخی شدن است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۲۹۷)، همان طور که همنشین نیک، یاری دهنده انسان در اطاعت از اوامر الهی و اجتناب از گناهان و سرانجام رسیدن فرد به عاقبت به خیری است. خداوند می فرماید: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء: ۶۹) و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند،

در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگان اند و آنان چه نیکو همدمانی هستند». روشن است که معیت با کسانی که خداوند به آنها نعمت بخشیده یعنی انبیاء، صدیقین، شهداء و صالحین، از نیکوترین عاقبت‌ها است.

۵-۱. محبت به اهل بیت علیهم‌السلام

توّلّی و تبرّی، محبت نسبت به اولیای الهی و کینه ورزی با دشمنان خدا، از عوامل عاقبت به خیری هستند. رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً أَوْ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُغْفُوراً لَهُ أَوْ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ تَائِباً أَوْ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مُؤْمِناً مُسْتَكْمِلاً أَلَا يَمَانٍ... (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳، ص ۲۳۳)؛ هر کس بر محبت آل محمد از دنیا برود شهید مرده. متوجه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد آمرزیده است. توجه کنید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد با توبه از دنیا رفته. هر کس بر محبت آل محمد بمیرد با ایمان کامل از دنیا رفته...». امام سجاد علیه‌السلام در دعا برای فرزندان خود از خدا درخواست می‌کند: «وَاجْعَلْهُمْ... لِأَوْلِيَائِكَ مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ وَ لِجَمِيعِ أَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَ مُبْغِضِينَ (صحیفه سجادیه، دعای ۲۵)؛ و آنان را از دوستداران و خیر خواهان اولیانت، و دشمن و متنفر از تمام اعدانت قرار ده.»

امام صادق علیه‌السلام به بعضی از مردم چنین نوشتند: «إِنْ أَرَدْتَ أَنْ يُخْتَمَ بِخَيْرٍ عَمَلُكَ حَتَّى تُقْبَضَ وَ أَنْتَ فِي أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ فَعَظِّمْ لِلَّهِ حَقَّهُ أَنْ تُبَدِّلَ نِعْمَاءَهُ فِي مَعَاصِيهِ وَ أَنْ تَغْتَرَّ بِجَلْمِهِ عَنْكَ وَ أَكْرَمَ كُلِّ مَنْ وَجَدْتَهُ يَذْكُرُنَا أَوْ يَنْتَحِلُ مَوَدَّتَنَا... (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲، ص ۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۴، ص ۳۰۳)؛ اگر می‌خواهی عاقبت به خیر شوی و در حالی که مشغول افضل اعمال هستی از دنیا بروی، حق خداوند را بزرگ‌دار، بدین گونه که نعمت‌های او را در معاصی‌اش صرف نکنی و از حلم او نسبت به خود مغرور نشوی [دیگر آنکه] هر کسی را یافتی که یادی از ما می‌کند یا

مودت ما را ابراز می دارد، احترام کن...».

۵-۱۱. احسان و نیکوکاری

احسان و نیکوکاری، از جمله عواملی است که موجب عاقبت به خیری فرد می شود. از منظر قرآن، اطاعت و تسلیم در برابر خداوند، وقتی با احسان و نیکی همراه شود، عاقبت نیکو به ارمغان می آورد: «وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (لقمان: ۲۲)؛ و هر کس خود را -در حالی که نیکوکار باشد- تسلیم خدا کند، قطعاً در ریسمان استوارتری چنگ در زده، و فرجام کارها به سوی خداست.» احسان عموماً به معنای نیکی در مقابل بدی به کار می رود. حسنات نیز به اموری گفته می شود که انسان به حسب طبع خود، آنها را حُسن و محبوب می داند؛ مانند عافیت، نعمت، امنیت و آسایش که همه از ناحیه خدای سبحان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۹) احسان گاهی به معنای بخشش به دیگران و گاهی نیز در یک معنای عام، هر کاری نیک و پسندیده‌ای را شامل می شود. از این رو همه اعمال و کارهای مثبت و مفید و دارای ارزش اخلاقی، از مصداق‌های این واژه در کاربرد دوم آن شمرده می شود. (شرف‌الدین، ۱۳۹۶، ص ۱۴۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله، نیکی به دیگران را بازدارنده از مرگ‌های بد دانسته و می فرماید: «عَلَيْكَ بِصَنَائِعِ الْخَيْرِ فَإِنَّهَا تَدْفَعُ مَصَارِعَ السُّوءِ (نوری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۹۴)؛ کارهای نیک را انجام ده که آنها جلوی مرگ‌های بد را می گیرند.»

۵-۱۲. تداوم بر اعمال خیر

بنابر فرمایش رسول گرامی صلی الله علیه و آله، تداوم بر اعمال خیر، در حصول عاقبت به خیری مؤثر است: «إِذَا ارَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ طَهْرَةً قَبْلَ مَوْتِهِ قِيلَ مَا طَهَّرَهُ الْعَبْدُ؟ قَالَ: عَمَلٌ صَالِحٌ يُلْهِمُهُ آيَاهُ حَتَّى يَقْبُضَهُ عَلَيْهِ (متقی هندی، ۱۴۰۱، ص ۳۰۶۷)؛ هرگاه خداوند نسبت به بنده‌ای اراده خیر کند، او را پیش از مرگ پاک و پاکیزه می کند. گفته شد چگونه بنده را پاک می کند؟ فرمود: عمل صالحی به او الهام می کند (که او بر آن

مداومت کند) تا زمانی که از دنیا برود».

۵-۱۳. خدمت به پدر و مادر و جلب رضایت والدین

از مهم‌ترین موارد احسان، که خداوند به آن امر می‌کند، احسان به والدین است. اهمیت خدمت به پدر و مادر تا آنجاست که می‌توان آن را شاه‌کلید عاقبت به‌خیری دانست. چنان که در قرآن کریم، بعد از پرهیز دادن از شرک و امر به یکتاپرستی، بلافاصله به نیکی به والدین دستور داده، شده است: «...أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا... (انعام: ۱۵۱)؛ چیزی را با او شریک قرار ندهید؛ و به پدر و مادر احسان کنید.» خدمت به والدین و جلب رضایت آن‌ها در عاقبت به‌خیری انسان بسیار مؤثر است. چنان که از امام سجاد علیه السلام نقل شده که مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد، عرض کرد: عمل زشتی نیست که انجام نداده باشم. آیا راه توبه برای من باز است؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فَهَلْ مِنْ وَالِدَيْكَ أَحَدٌ حَيٌّ قَالَ: ابْنِي قَالَ: فَادْهَبْ فَبِرِّهْ قَالَ: فَلَمَّا وَلَّى قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لَوْ كَانَتْ أُمُّهُ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۸۲)؛ آیا از والدینت کسی زنده است؟ عرض کرد: پدرم (زنده است) فرمود: برو به پدرت نیکی کن (تا خداوند تو را ببخشد و عاقبت به‌خیر گردی). راوی می‌گوید، وقتی آن مرد رفت، پیامبر اکرم فرمود: «ای کاش مادر داشت».

۵-۱۴. دعا و طلب حسن عاقبت از خداوند

در نهایت، از عوامل مهم در عاقبت به‌خیری انسان، دعا و درخواست از خداوند است. از جمله دعا‌های اولیاء و انبیای الهی در قرآن کریم برای عاقبت به‌خیری و سرانجام نیک، آیاتی است که در آنها معیت با ابرار و مرگ در حال تسلیم نسبت خداوند، و ملحق شدن به صالحان درخواست می‌شود: «... وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ»؛ (آل عمران: ۱۹۳) «...تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَ الْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (یوسف: ۱۰۱) و... افراد باایمان در دعا‌های خود عرضه می‌دارند: «... رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ (بقره: ۲۰۱)؛ پروردگارا! به ما در دنیا «نیکی» عطا کن، و در آخرت نیز «نیکی»

مرحمت فرما و ما را از عذاب آتش نگهدار». امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمود: «رضوان الله و الجنة فی الآخرة و السعة فی المعاش و حسن الخلق فی الدنیا؛ (فیض کاشانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۷) خشودی خدا و بهشت در آخرت (حسنه است) و توسعه در معاش و خوش خلقی در دنیا (حسنه) می باشد».

در دعاهای وارده از معصومین علیهم السلام، موارد متعددی از درخواست حسن عاقبت وجود دارد، از جمله، در دعایی که در تعقیبات نماز از قول امام صادق علیه السلام وارد شده، می خوانیم: «وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي بِطَاعَتِكَ حَتَّى تَتَوَفَّانِي عَلَيْهَا وَ أَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَ أَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۴۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۴۷۱)؛ خداوند! من از تو می خواهم که مرا در طاعت خودت استوار داری تا این که مرا در حالی که از من راضی هستی، از دنیا ببری و از تو می خواهم پایان عمر مرا سعادت قرار دهی». در بخشی از نیایش امام سجاد علیه السلام در طلب عاقبت به خیری، چنین آمده است: «وَ إِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا، وَ تَصَرَّمَتْ مُدَدُ أَعْمَارِنَا، وَ اسْتَحْضَرْتَنَا دَعْوَتُكَ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْهَا وَ مِنْ إِجَابَتِهَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِي عَلَيْنَا كِتَابَهُ أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً لَا تُوقِفُنَا بَعْدَهَا عَلَى ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ، وَ لَا مَعْصِيَةٍ اقْتَرَفْنَاهَا (صحیفه کامله سجّادیه، ترجمه جعفری، ۱۳۸۴، ص ۸۶)؛ و آن زمان که ایام حیات ما سپری شد و رشته عمرهایمان قطع شد، و دعوت تو (یعنی مرگ) که از آن و اجابت آن گریزی نیست، حاضر گشت، پس بر محمد و آل او درود فرست و پایان (کار ما و) آنچه را که نویسندگان اعمال ما ثبت کرده اند توبه مقبوله قرار بده، توبه ای که پس از آن ما را بر گناهی که مرتکب شده ایم و معصیتی که انجام داده ایم، سرزنش و توبیخ نفرمایی». همچنین فرازهایی از زیارت عاشورا، دعای اباحمزه ثمالی، دعای عدیله و عالیّه المضامین و... به درخواست عاقبت به خیری اختصاص دارد (رک: قمی، ۱۳۹۱).

۶. نقش هریک از ارکان دعا، در استجابات آن

دعا و دعوت، توجه دادن نظر مدعو است به سوی داعی که غالباً با لفظ، یا اشاره

صورت می‌گیرد، و استجابت و اجابت به معنای پذیرفتن دعوت داعی، و روی آوردن به سوی اوست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۴۳۴). دعا، ارتباط گرفتن با حق تعالی و استمداد از او برای یاری دعا کننده، در جهت دستیابی به خواسته‌های او و رساندن او به مقصود است. گاهی نیز دعا برای دیگری است. بنابراین می‌توان گفت دعا دارای چهار رکن است: داعی (دعا کننده)، مدعو (کسی که خوانده می‌شود و از او درخواست می‌کنیم، یعنی خداوند)، مدعو له (کسی که برای او این خواسته را از خداوند می‌خواهیم) و مدعو، به معنای درخواست و تقاضایی که انسان از خدا دارد.

دعا کردن برای دیگران در قرآن و روایات معتبر، سفارش شده است. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که بیانگر اولویت دعا برای دیگران هستند. از جمله می‌توان به دستور خداوند مبنی بر دعا برای پدر و مادر (اسراء: ۲۴)، دعای حضرت ابراهیم برای اهالی شهر مکه (بقره: ۱۲۶)، دعای حضرت ابراهیم برای ذریه خود (ابراهیم: ۳۷) اشاره کرد. در روایات تأکید شده که در هنگام دعا برای خود، دیگران را هم مشارکت دهید و حتی آنها را بر خود مقدم بدانید. روایت «الجار ثم الدار» (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۸۲)؛ از روایات منسوب به فاطمه زهرا سلام الله علیها در زمینه اولویت دعا برای دیگران است. در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام توصیه شده است: «اسْتَغْثِرُوا مِنَ الْإِخْوَانِ فَإِنَّ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ دَعْوَةً مُسْتَجَابَةً» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۱۷؛ ابن بابویه، بی تا، ج ۱، ص ۴۶)؛ بر برادران مؤمن خود بیفزایید، زیرا هر مؤمنی یک دعای مستجاب دارد». از نگاه اهل بیت علیهم السلام، اثر دعای دیگر مؤمنان برای فرد، بیش از اثر دعای آن فرد برای خود است.

از جمله کسانی که دعا کردن در حق آنها توصیه شده، فرزندان هستند. آیات متعددی از قرآن کریم به دعا‌های والدین برای فرزندان پرداخته، و در روایات بسیاری از ائمه معصومین علیهم السلام و ادعیه و مناجات‌ها، بر دعا برای ذریه تأکید شده است. در این دعاها، داعی، والدین هستند و مدعو له، فرزندان و ذریه آنان. هر یک از این

ارکان به نوبه خود، نقش مهمی در استجابت دعا دارند. غالباً دعاکنندگان در آیات قرآن، پدرانی چون انبیاء الهی: ابراهیم، نوح و... یا زنان پاکدامنی چون مادر مریم... هستند و مدعوله، فرزندانی چون اسماعیل و مریم سلام الله علیها و... که مشمول دعای خیر والدین خود قرار گرفته و به سعادت دنیا و آخرت دست یافتند. بنابر این می توان از نمونه های قرآنی، به تأثیر و نفوذ دعای والدین متقی در صلاح و حسن عاقبت فرزندان پی برد. در مقابل پسر نوح با آن که فرزند یکی از انبیای الهی است، دعای پدر برای نجاتش به اجابت نرسید و اهل شقاوت شد. بنابراین انتخاب ها و استعداد های مدعوله، یعنی خود فرزند نقش اساسی در اجابت دعای والدین و رسیدن او به عاقبت به خیری دارد. دعا تنها در باره کسانی مستجاب می شود که خود آنان استعداد و خواهندگی داشته باشند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۰۰).

از سوی دیگر، در شقاوت فرزند نوح، می توان به نقش پنهان تربیت مادر اشاره کرد. دلیل پاکی ریشه خانوادگی، مادر است. بهترین بذرها اگر بی توجه به شرایط کاشته شوند، هرگز به ثمر نخواهند رسید. بنابراین با این که پسر نوح نبی در کانون وحی می زیست نتوانست با نوع تربیت خویش و در بطن مادری فارغ از دین، متصل به خانواده روحانی اش شود (میرخانی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸-۱۲۷). خداوند همسر نوح را نمونه و مثلی برای کافران معرفی می کند که سرانجام او، سوء عاقبت و گرفتاری در آتش دوزخ است: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ» (تحریم: ۱۰). بدیهی است تربیت مادری که مثل کفر است، چونان اثری داشته که دعای پدری چون نوح نمی تواند فرزند را نجات بخشد. خداوند چنین فرزندی را از اهل و خانواده نوح نمی داند و می فرماید: «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ...» (هود: ۴۶)؛ فرمود: ای نوح، او از خاندان تو نیست، او عملی است ناصالح». این که پسر نوح را عملی غیر صالح خواند، به جهت مبالغه است یعنی

مبالغه در اعمال فاسده از کفر و مخالفت و سایر اعمال قبیحه (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۶۱).

از نکات مهم دیگر در تأثیر دعا، این است که دعا باید همراه با استقامت در عمل باشد. اگرچه دعا به ویژه دعای والدین از عوامل مهم حسن عاقبت آدمی است، ولی این امر با صرف دعا به دست نمی‌آید، بلکه فرد باید در عمل خودش را نشان دهد؛ چرا که قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت: ۳۰)؛ به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که «نترسید و غمگین نباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است»!

نتیجه‌گیری

در قرآن و روایات در خصوص جایگاه عاقبت به خیری بسیار تأکید شده است و میزان سنجش در اعمال و اعتقاد انسان، باور و عملی دانسته شده که با آن، دنیا را ترک می‌کند. در آموزه‌های اسلامی، دعا مهم‌ترین وسیله جلب عنایت خداوند به انسان، مغز عبادت، سلاح مؤمن و عمود دین است. از توصیه‌های معصومین، دعا برای دیگران و شرکت دادن آنها در دعای خویش است. از جمله افرادی که دعا برای آنها سفارش داده، فرزندان هستند. سیره انبیای الهی به ویژه حضرت ابراهیم در قرآن، بر تأکید بر دعا برای ذریه بوده و این دعاها مطابق آیات، شامل دعا برای صالح و پاک بودن ذریه، در امان داشتن از شر شیطان، هدایت و نجات فرزندان، تسلیم و مطیع بودن در برابر خداوند و اجتناب از پرستش غیر او، نمازگزار بودن فرزندان و درخواست رسیدن آنها به جایگاه رهبری متقین است.

در آیات و روایات بر تأثیر دعای والدین در سرنوشت فرزندان حتی قبل از تشکیل نطفه، تأکید شده است. از مهم‌ترین ادله در این خصوص، فرمایش رسول گرامی اسلام است که رسالت خود را نتیجه اجابت دعای پدر بزرگوار آنان ابراهیم علیه السلام می‌دانند. همچنین شرح حال عالمان بزرگی چون علامه مجلسی، مؤید این تأثیر ویژه است. عوامل متعددی در آیات و روایات برای عاقبت به خیری ذکر شده‌اند، مانند: تعقل و تفکر، ایمان و عمل صالح، تقوا، استعانت از خداوند، پرهیز از علو و فساد، توبه، اقامه نماز، همنشین صالح، محبت به اهل بیت، خدمت به والدین، و دعا و طلب حسن عاقبت از خداوند. می‌توان گفت دعا برای عاقبت به خیری فرزندان، دعای جامعی است که تمام دعا‌های قرآنی والدین در مورد فرزندان و نسل خود، در ذیل آن واقع می‌شود.

چنان که دعا برای نسل صالح، مقدمه‌سازی برای هدایت نسل است و دعا‌های دیگر، مانند: دعا برای نمازگزار بودن، در امان ماندن از شر شیطان، نجات و هدایت

فرزندان و... همه عواملی برای عاقبت به خیری فرزندان است.

از میان انواع دعاهایی که برای فرزندان در قرآن آمده، همه به اجابت رسیده است؛ و انبیا و اولیای الهی که برای حسن عاقبت فرزندان خویش دعا کرده‌اند، نسلی صالح از خود به جای گذاشته‌اند، جز دعای نوح علیه السلام در مورد پسرش که مورد اجابت واقع نشد. در عدم استجابت دعای نوح، عواملی چون نداشتن قابلیت در فرزند، نقش تربیتی پنهان مادر و اراده فرزند و تصمیمات او، تأثیرگذار بوده است.

بنابراین، دعای والدین برای عاقبت به خیری، علت تامه نیست. بلکه باورها، انتخاب‌ها و عملکرد فرزند در طول زندگی، از مهم‌ترین عوامل حسن عاقبت اوست. داعی و مدعوله، هر دو در استجابت دعا نقش دارند. اگرچه دعای والدین پرهیزکار بسیار به اجابت نزدیک است، ولی نمی‌توان از نقش مدعوله و آمادگی او برای استجابت دعا غافل ماند.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۶، *الأمالی*، چاپ ششم، تهران: کتابچی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۸، ق، *عیین أخبار الرضا*، محقق و مصحح: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۲، *الخصل*، مترجم: یعقوب جعفری، قم: نسیم کوثر.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵، *علل الشرائع*، قم: کتابفروشی داوری.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، بی تا، *مصادقه الاخوان*، محقق: علی خراسانی کاظمی، منشورات المكتبة الامام صاحب الزمان العامه.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۳، ق، *معانی الأخبار*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳، ق، *من لا یحضره الفقیه*، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸. برازش، علیرضا، ۱۳۷۴، *قرآن صاعد*، تهران: امیر کبیر.
۹. بهایی، بهاء الدین محمد بن حسین، ۱۳۸۸، *اربعین*، ترجمه: سید عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، نشر فکر.
۱۰. پیشوایی، مهدی، ۱۳۹۰، *سیره پیشوایان*، قم: مؤسسه امام صادق.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰، ق، *نور الحکیم و درر الکلم*، محقق و مصحح: سید مهدی رجایی، چاپ دوم، قم: دار الکتاب الاسلامی.
۱۲. جرجی زیدان، ۱۳۶۹، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه: علی جواهر کلام، تهران: مؤسسه امیر کبیر.
۱۳. جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، ۱۳۸۲، *مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه*، شرح و ترجمه: حسن مصطفوی. بی جا.
۱۴. جعفری، محمدتقی، بی تا، *نیایش امام حسین در بیان عرفات*، بی جا.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، *وسائل الشیعه*، محقق و مصحح: مؤسسه آل البيت، قم: مؤسسه آل البيت.
۱۶. حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۵، *حماسه غدیر*، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۷. شرف الدین، سید حسین، ۱۳۹۶، *ارزشهای اجتماعی از منظر قرآن کریم*، قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۹. طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ق، *الامالی*، مصحح: موسسه البعثة، قم: نشر دار الثقافة.
۲۰. طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البین فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، قم: انتشارات اسلام.
۲۱. علی بن الحسین زین العابدین، ۱۳۹۱، *صحیفه سجّادیه*، ترجمه: حامد رحمت کاشانی، چاپ دوم، تهران: پیام عدالت.
۲۲. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۷۵، *روضه الواعظین و بصیره المعظّین*، قم: انتشارات رضی.
۲۳. فیض کاشانی، ملا محسن، بی تا، *تفسیر صافی*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۴. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، *تفسیر نور*، چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۵. قرائتی، محسن، ۱۳۹۸، *سیمکلی خانواده در قرآن و روایات*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۶. قمی، عباس، ۱۳۹۱، *مفاتیح الجنان*، چاپ ششم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *کافی*، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۸. متقی هندی، علاء الدین علی، ۱۴۰۱ق، *کنز العمال*، محقق: بکری حیائی و صفوه السقا، چاپ پنجم، قم: مؤسسه الرساله.
۲۹. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۳۰. محمدی ری شهری، محمد، بی تا، *شرح زیارت جامعه کبیره (تفسیر قرآن نحقی)*، بی جا.
۳۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۸، *بست گفتار*، چاپ پنجم، تهران: صدرا.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهیه و تنظیم: جمعی از فضلاء، چاپ سی و دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، *پیام امام امیر المؤمنین*، تهیه و تنظیم: جمعی از فضلاء، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۴. میرخانی، عزت السادات، نهله غروی نائینی و فاطمه همدانیان، بهار و تابستان ۱۳۹۰، «نگره رسالت شرعی و رسالت مادری»، *پژوهش نامه زن*، سال دوم، شماره اول.

۳۵. میر عظیمی، سید جعفر، ۱۳۷۴، **حقوق والدین**، چاپ سوم، قم: رسالت.

۳۶. نوری، حسین بن محمد تقی و جعفر نبوی، ۱۳۷۷، **الفیض القدسی فی ترجمه العلامة مجلسی**، قم: نشر مرصاد.

۳۷. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۳۶۶، **مستدرک الوسائل**، قم: مؤسسه آل البيت.